

شب نامه هایی که منجر به تولد روز شد

# خاطرات توزیع اعلامیه های انقلابی

حیدرزاده

شب نامه ها و اعلامیه هایی که از مهم ترین ابزارها برای اطلاع رسانی و آگاهی بخشیدن به مردم در روزهای پیش از انقلاب بود، حالا به بخشی از خاطرات جذاب و شنیدنی آن هایی تبدیل شده که در آن ایام اگر چه بسیار جوان بودند اما جرئت و جسارت مثال زدنی داشتند، از دستگیری و شکنجه توسط عوامل شاه نمی هراسیدند، جان بر کف بودند و راهی کوچه پس کوچه های شهر می شدند و تا آخرین نسخه اعلامیه ها را منتشر نمی کردند به خانه باز نمی گشتند. خیلی از آن ها در این راه شهید شیرین شهادت را نوشیدند یا دستگیر شدند و مبارزانی که خوشبختانه هنوز در قید حیات هستند و سند زنده محسوب می شوند برای ما شب های نفس گیری را مرور می کنند که در آن ایام پشت سر گذاشتند، اقداماتی که اگر نبود شاید مردم به این زودی هوشیار و از رمز و راز انقلاب آگاه نمی شدند. تهیه اعلامیه ها و تکثیر آن ها از یک طرف و رساندن آن ها به دست فعالان و مبارزان در شهرها و روستاهای مختلف و منتشر کردن آن ها در نقاط مختلف شهر و روستا از سوی دیگر، هر کدام هزار قصه شنیدنی و خواندنی دارد که تورا به روزهای پر بیم و امیدی پرتاب می کند که در نهایت به تولد ستاره انقلاب در تاریکی تاریخ منجر شد.

پخش اعلامیه در مسجد

«پرویز تیموری» از جمله افرادی است که بیشتر همراهان و دوستانش پیش از انقلاب به شهادت رسیدند. با آن که آن زمان دبیرستانی بود اما به گفته خودش از ۱۶ سالگی وارد مسائل سیاسی شد که از جمله آن ها می توان به پخش اعلامیه اشاره کرد. او می گوید: تعدادی از دوستانم با حوزه علمیه قم ارتباط داشتند و اعلامیه ها و کتاب ها را از آن جا تهیه می کردند و به سختی آن ها را به بجنورد می رساندند و در اختیار ما قرار می دادند تا آن ها را توزیع کنیم. نخستین اعلامیه ای که خوانده بود مربوط به صحبت های امام خمینی(ره) در سال ۵۳ بود. او که همراه با شهید «حسن محقر» اعلامیه پخش می کرد با بیان این که در آن زمان دانش آموزان با سن و سال کم وارد مسائل سیاسی می شدند، حتی در سال ۵۳، ۳ نفر از همکلاسی هایم به دلیل فعالیت های سیاسی دستگیر

شدند، ادامه می دهد: یکی از شب های ماه مبارک رمضان وقتی حاج آقا «کرمی» که از قم آمده بود در مسجد امام حسن(ع) واقع در میدان کارگر کنونی مشغول سخنرانی بود، من و تعدادی از دوستانم زیر پنکه سقفی دور تا دور شهید «محقر» که اعلامیه ها را زیر لباسش مخفی کرده بود، نشستیم. یکی از دوستان نزدیک کنتور برق و دیگری در ورودی مسجد برای کشیک ایستاد. بعد از این که سخنرانی تمام شد، شهید «محقر» اعلامیه ها را به سمت پنکه پرتاب کرد و اعلامیه ها به سرعت در مسجد پخش شد و در همین لحظه دوستم کنتور برق را خاموش کرد.

او با اشاره به این که ساواکی ها همه جا بودند، خاطرنشان می کند: پس از آن همه به خیابان رفتم و شعار دادیم و تظاهراتی که سازمان دهی نشده بود برپا شد و حتی شعارهای از پیش

شهر نوفل لوشاتوی فرانسه زندگی و اعلامیه ها را تهیه می کرد و از طرق مختلف به دست ما می رساند.

او تصریح می کند: آن موقع دستگاهی برای چاپ و تکثیر اعلامیه ها نداشتیم، اعلامیه ها را روی کاغذ استنسیل می نوشتیم، سپس آن را روی چوب یا شیشه می گذاشتیم و برگه سفیدی را روی آن قرار می دادیم و با غلتک رنگ را پخش می کردیم تا نوشته ها روی برگه سفید چاپ شود. او و چند نفر از دختران دیگر که گروه رهروان حضرت زینب(س) را تشکیل داده بودند، بعد از تکثیر اعلامیه ها آن ها را به شکل مخفیانه در مدرسه خود در کشوی میزها یا جاهایی که دانش آموزان دیگر ببینند، می گذاشتند و با احتیاط بسیار زیاد پخش می کردند.

او اضافه می کند: این کار ما بسیار خطرناک بود چون خانواده برخی دانش آموزان با ساواک در ارتباط بودند اما ما بدون پروا آن را انجام می دادیم.

«رنجبریان» می گوید: البته علاوه بر مدرسه، اعلامیه ها را در زمان خلوت بودن کوچه ها در درون خانه ها نیز می انداختیم تا افراد بیشتری از جریان انقلاب مطلع شوند.

تعییب و گریز نفس گیر

در عین حال، یکی از شهروندان می گوید: با آن که ۱۹ سال داشتم اما فضای آن روزها و التهاب کشور را درک کرده بودم و می خواستم هر طور شده من هم سهمی در زنجیره مبارزه داشته باشم از این رو یکی از اقوام مرا با خود به جلسه های شبانه ای که در منزلش تشکیل می شد، دعوت می کرد.

«محمودی» می افزاید: در دومین جلسه مسئولیت پخش اعلامیه ها بر عهده من نیز قرار گرفت و یادام است آن لحظه سر از پا نمی شناختم و از خوشحالی قلب ام به شدت می تپید.

او با بیان این که یک ماه بدون دردسر تعداد زیادی اعلامیه را در نقاط مختلف شهر پخش کردم، خاطرنشان می کند: یک شب در حالی که خیالم از خلوت بودن کوچه راحت بود، به سرعت اعلامیه ها را از لای درها در داخل حیاط خانه ها می انداختم و بعضی از خانه ها درزی نداشتند و مجبور بودم اعلامیه را از بالای دیوار در درون حیاط ها بیندازم. در یکی از همین لحظه ها سایه ای در ته کوچه دیده شد. پا به فرار گذاشتم اما سایه کم کم به من نزدیک تر شد و در جته پاسبان درآمد. او می افزاید: از نیروی جوانی ام استفاده کردم و کوچه پس کوچه ها را یک نفس دویدم تا او مرا در یکی از کوچه های سمت سبزه میدان گم کرد و در حالی که شب از نیمه گذشته بود با وحشت از کنار دیوارها پاورچین پاورچین گذشتم تا به خانه رسیدم و تا چند روز به خاطر بدن درد نمی توانستم تکان بخورم.

و نه از سایه ها، نه از دستگیری می هراسیدند و نه از شکنجه، پس کارشان را روی زمین نمی گذاشتند، به دل تاریکی می زدند و اعلامیه ها را که زیر لباس شان پنهان بود، یکی یکی در داخل خانه ها می انداختند.

شناسایی کوه های اطراف شهر

«تیموری» می گوید: در یکی از شب های پخش اعلامیه دوستم دستگیر شد چون از بد روزگار، اعلامیه ای را در منزل پاسبانی انداخت که همان لحظه در حیاط حاضر بودو بلافاصله او را دستگیر کرد. من از او بی اطلاع بودم و همچنان اعلامیه ها را پخش می کردم و وقتی به من اطلاع دادند که او را دستگیر کرده اند، وسایلم را جمع و به مشهد فرار کردم.

این مبارز انقلابی می افزاید: ما جوانانی که در آن ایام فعالیت می کردیم، همه چیز را پیش بینی کرده بودیم، حتی هر هفته به کوه های مختلف می رفتم و نقشه آن ها را می کشیدیم تا در صورتی که مجبور به فرار شدیم به این مناطق پناه آوریم.

نوشتن اعلامیه روی کاغذ کاربن

در عین حال، «چاهی» که در آن دوران معلم جوانی در «راز» بود، می گوید: امکانات در شهر کنونی راز که در آن زمان روستای بزرگی بود، اندک بود و حتی برق و راه مناسبی نداشتیم و اطلاعات را از طریق روحانیانی که در ماه رمضان یا محرم می آمدند، کسب می کردیم. او می افزاید: اطلاعاتی را که از طریق روحانیان به دست می آوردیم با دست روی کاغذ می نوشتیم و به وسیله کاربن آن ها را تکثیر و در مسجد منتشر می کردیم.او که اهل راز است، اظهار می کند: در آن جا به تعداد انگشتان دست دانشجو و طلبه داشتیم و با توجه به این که اعلامیه ها برای مان در دسترس نبود نمی توانستیم آن ها را تهیه کنیم و با ابتدایی ترین وسایل اطلاع رسانی می کردیم. او ادامه می دهد: گاهی سخنرانی های دکتر «شریعتی» در قالب کتابچه به دست مان می رسید که آن را نوبتی می خواندیم و سعی می کردیم با وجود کمبود امکانات از جریان انقلاب آگاه شویم.

انتشار اعلامیه از کشوی میز

«رنجبریان» بانوی مبارز بجنوردی هم خاطرنشان می کند: یکی از دبیرهایم که از تهران آمده بود و با برادرش در بجنورد زندگی می کرد، اعلامیه های امام(ره) را در اختیار من و تعدادی از دانش آموزان قرار می داد تا آن ها را در مدرسه یا خانه ها پخش کنیم.

او با اشاره به این که در سال های ۵۶ و ۵۷ من و خواهرم که هر دو دبیرستانی بودیم، در این زمینه بسیار فعال بودیم، می افزاید: برادر دبیرمان در

در یکی از شب های پخش

اعلامیه دوستم دستگیر

شد چون از بد روزگار،

اعلامیه ای را در منزل

پاسبانی انداخت که همان

لحظه در حیاط حاضر بود و

بلافاصله او را دستگیر کرد.

من از او بی اطلاع بودم و

همچنان اعلامیه ها را پخش

می کردم و وقتی به من

اطلاع دادند که او را دستگیر

کرده اند، وسایلم را جمع و

به مشهد فرار کردم

۶۶

از نیروی جوانی ام استفاده

کردم و کوچه پس کوچه ها

را یک نفس دویدم تا او مرا

در یکی از کوچه های سمت

سبزه میدان گم کرد و در

حالی که شب از نیمه گذشته

بود با وحشت از کنار

دیوارها پاورچین پاورچین

گذشتم تا به خانه رسیدم و

تا چند روز به خاطر بدن درد

نمی توانستم تکان بخورم

تعیین شده ای نداشتیم و می گفتیم «درد بر خمینی» و «مرگ بر شاه».

او به پراکنده شدن جمعیت با حضور نیروهای شهربانی و دستگیری ۱۵ نفر اشاره می کند و می گوید: زمانی که اعلامیه ها به دست مان می رسید با یکی از دوستانم برنامه ریزی می کردیم و هر یک به قسمتی از شهر می رفتم تا اعلامیه ها را در داخل خانه ها بیندازیم. آن ها از ساعت ۲۱ تا ۲۳ را برای پخش اعلامیه ها در نظر می گرفتند، تمام خطرات را به جان می خریدند، نه از تاریکی کوچه ها می ترسیدند

## آگهی تغییرات شرکت سفید پر شاهین

شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۵۶۶ و شناسه ملی ۱۰۸۶۰۳۰۵۱۲۶ به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۹/۰۸/۱۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: -
اعضاء هیئت مدیره به قرار ذیل برای مدت دو سال انتخاب گردیدند: آقای مهدی رضائی به کد ملی ۰۶۸۰۳۶۱۰۲۲ -آقای محسن رضائی به کد ملی ۰۶۸۲۳۵۰۱۲۵ -آقای احسان رضائی به کد ملی ۰۶۸۲۵۱۶۳۶۸ - آقای رمضان جوادیان به کد ملی ۰۸۲۹۱۱۳۹۱۶ به سمت بازرس اصلی و آقای محمد حسین عیسی پور به کد ملی ۰۶۸۱۹۶۲۴۹۶ به سمت بازرس علی البدل شرکت تا پایان سال مالی ۱۳۹۹/۱۲/۳۰مالی انتخاب شدند.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان شمالی - اداره ثبت شرکت ها و مؤسسات غیرتجاری بجنورد

م/الف/۱۰۸۱۳۱۲۲

## آگهی تغییرات شرکت خیریه معراج شادروان جمشید وحدانی موسسه غیر تجاری

به شماره ثبت ۱۸۲ و شناسه ملی ۱۰۴۰۰۰۰۷۳۸۳

به استناد صورتجلسه هیئت امنا مورخ ۱۳۹۹/۰۹/۳۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: -
اعضاء هیئت مدیره به قرار ذیل برای مدت سه سال انتخاب گردیدند: آقای محمدحسین وحدانی به شماره ملی ۰۶۸۲۰۳۴۹۱۶ عضو اصلی آقای کریم رحیمی به شماره ملی ۰۶۸۱۲۰۲۵۳۱ عضو اصلی آقای داریوش خواجوی به شماره ملی ۰۵۹۱۹۶۶۰۵۴۶ عضو اصلی آقای محمد آل طه به شماره ملی ۰۶۸۱۶۴۳۹۶۱ عضو اصلی آقای ابوالفضل وحدانی به شماره ملی ۰۶۸۰۴۷۰۶۴۶ عضو اصلی خانم فاطمه وحدانی رشوانلوئی به شماره ملی ۰۶۸۰۵۱۹۵۵۶ عضو علی البدل - محمود اسکندری نداف به شماره ملی ۰۳۱۹۰۰۲۹۲۴ به سمت بازرس اصلی و آقای رضا کمالی مطلق به شماره ملی ۰۶۸۱۷۵۸۷۷۵ به سمت بازرس علی البدل برای مدت یکسال انتخاب شدند.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان شمالی اداره ثبت شرکت ها و مؤسسات غیر تجاری بجنورد

م/الف/۱۰۸۳۲۴۰

## آگهی تغییرات شرکت خیریه معراج شادروان جمشید وحدانی موسسه غیر تجاری

به شماره ثبت ۱۸۲ و شناسه ملی ۱۰۴۰۰۰۰۷۳۸۳

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۰۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: -
سمت اعضاء هیئت مدیره به قرار ذیل تعیین گردیدند: آقای محمدحسین وحدانی به شماره ملی ۰۶۸۲۰۳۴۹۱۶ به سمت رئیس هیئت مدیره آقای کریم رحیمی به شماره ملی ۰۶۸۱۲۰۲۵۳۱ به سمت خزانه دار و عضو هیئت مدیره آقای داریوش خواجوی به شماره ملی ۰۵۹۱۹۶۶۰۵۴۶ به سمت عضو اصلی هیئت مدیره آقای محمد آل طه به شماره ملی ۰۶۸۱۶۴۳۹۶۱ به سمت نائب رئیس هیئت مدیره آقای ابوالفضل وحدانی به شماره ملی ۰۶۸۰۴۷۰۶۴۶ به سمت عضو اصلی هیئت مدیره - آقای محمدحسین وحدانی به شماره ملی ۰۶۸۲۰۳۴۹۱۶ به سمت مدیرعامل برای مدت ۲ سال انتخاب شدند -
کلیه استاد و اوراق بهادار و تعهدآور موسسه با امضاء آقای محمدحسین وحدانی (رئیس هیات مدیره یا مدیرعامل) و آقای کریم رحیمی (خزانه دار) همراه با مهر موسسه و اوراق عادی و نامه های اداری با امضای آقای محمدحسین وحدانی (مدیرعامل) همراه با مهر موسسه دارای اعتبار می باشد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان شمالی اداره ثبت شرکت ها و مؤسسات غیر تجاری بجنورد

م/الف/۱۰۸۳۲۴۰

## آگهی تغییرات شرکت قراجه آسمان شرق شیرو شرکت سهامی خاص

به شماره ثبت ۴۷۰۷ و شناسه ملی ۱۰۴۰۰۰۲۳۶۵۷

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۰۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: -
هریک از مدیران باید در مدت مدیریت خود مالک حداقل ۱ سهم از سهام شرکت بوده و ورقه سهم مزبور را به عنوان وثیقه و تضمین خساراتی که ممکن است از تصمیمات مدیران منفرداً یا مشترکاً بر شرکت وارد شود و به صندوق شرکت بپردازد وثیقه بودن ورقه سهم مانع استفاده مدیر از حقوق ناشیه از ان از قبیل حق رأی و دریافت سود نمی باشد ولی مادامی که مدیر مقاصا حساب دوره تصدی خود را شرکت دریافت کرده سهم مذکور به عنوان وثیقه در صندوق شرکت باقی خواهد ماند. و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان شمالی اداره ثبت شرکت ها و مؤسسات غیر تجاری بجنورد

م/الف/۱۰۸۳۱۸۷

## آگهی تغییرات شرکت آزمایشگاه تحقیقاتی پژوهشی میزان خراسان شمالی شرکت با مسئولیت محدود

به شماره ثبت ۱۷۱۱ و شناسه ملی ۱۰۸۶۰۳۱۹۵۵۷

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی مورخ ۱۳۹۸/۰۹/۱۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: -
اعضاء هیئت مدیره به قرار ذیل انتخاب گردیدند: ضحی پوررمضان دارای ۱۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال سهم الشرکه مسلم پوررمضان دارای ۲۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال سهم الشرکه -
اقای مهدی فانی به شماره ملی ۰۶۸۰۳۴۴۶۲۴ و خانم ضحی پوررمضان به شماره ملی ۰۶۸۱۸۷۳۵۱۵ به سمت اعضای هیئت مدیره برای مدت ۵ سال انتخاب گردیدند.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان شمالی اداره ثبت شرکت ها و مؤسسات غیر تجاری بجنورد

م/الف/۱۰۸۳۷۴۷

## آگهی تغییرات شرکت آرمان کبیر سازه استحکام صداقت شرکت سهامی خاص به شماره ثبت

۵۳۱۴ و شناسه ملی ۱۴۰۰۶۴۵۳۷۶۵

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۹/۰۶/۰۳ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: -
سمت اعضاء هیئت مدیره به قرار ذیل تعیین گردید: آقای محمدرضا صداقت به شماره ملی ۰۶۸۲۳۶۶۷۶۵ به سمت رئیس هیئت مدیره خانم سمیه سادات زارعی به شماره ملی ۰۹۲۲۵۶۸۴۴۳ به سمت مدیرعامل و عضو اصلی هیئت مدیره آقای مهدی رحمتی به شماره ملی ۰۹۲۰۸۵۴۵۷۵ به سمت نائب رئیس هیئت مدیره -
کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک، سفته، پروات، قراردادهای و عقوداسلامی با امضاء آقای محمدرضا صداقت (رئیس هیئت مدیره) و اوراق عادی و نامه های اداری با امضاء آقای محمدرضا صداقت (رئیس هیئت مدیره) همراه با مهر شرکت معتبر می باشد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان شمالی اداره ثبت شرکت ها و مؤسسات غیر تجاری بجنورد

م/الف/۱۰۸۳۱۹۷